

هنگامی که ترس و نفرت حکمفرما می شود

آمریکای دستخوش جنون

نویسنده: THOMAS FRANK

روزنامه نگار، نویسنده: «مردم، تاریخچه ضد عوام گرایی».

نشر متروپولیتن، نیویورک، ۲۰۲۰.

برگردان: شهباز نخعی

انتصاب یک قاضی جدید برای دیوان عالی آمریکا توسط آقای دونالد ترامپ، آمریکا را دچار تفرقه کرده است. اهمیت این امر از آن رو است که در صورت اعتراض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ۳ نوامبر، می تواند نقشی تعیین کننده داشته باشد. این در حالی است که هیچ یک از دو اردوگاه رقیب حاضر به پذیرش شکست نیست.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

در این سال وحشتناک، می شد تابستانی شگفت انگیز گذراند. مثلا، در خانه خود در کانزاس سیتی، در محله ای که چمن های سبز آن به خوبی زده شده و خانه های قصرمانندی که با یقین می توان گفت برای اشراف ساخته شده، ماه اوت را با آسودگی به خواندن رمان، انجام خرده کاری های خانه، تماشای فیلم های قدیمی و نوشیدن شراب میسوری پرداخت. به این ترتیب می شد فراموش کرد که شیوع جهانی مرگبار ویروس همچنان ادامه می یابد و فروپاشی اقتصادی، این دنیای کوچک سعادت مند و دلپذیر را احاطه می کند، زیرا در صبحگاه آسمان همچنان می درخشد و حرکت خودروها روان و جاری است. همه چیز برانگیزنده این شوق بود که بر دوچرخه خود سوار شده و راه های ساکت مخصوص دوچرخه سواری را در یکی از زیباترین شهرهای ایالات متحده بپیمایی. با این همه، پس از انجام این کار، کافی بود که به توئیتر متصل شده یا روزنامه ای را که روزنامه فروش جلوی در خانه انداخته برداری و بخوانی و...

همه چیز مثل روز پیش بوده است: وحشت، سردرگمی، اتهام ها و انتقادها. ویدیوهای افراد در منظر عام به طعن و ناسزاگویی مشغول است، جوانان موطلایی سلاح جنگی بر سر دست دارند، رانندگان خودروهایی خود را به صف تظاهر کنندگان می زنند، اشخاصی عصبی متن های پدران بنیانگذار ملت را نقل می کنند و می کوشند سلامت روانی خود را حفظ کنند. هرروز عوارض جدید وخامت اوضاع ظاهر می شود و در ورای آن، این احساس رشدیابنده به وجود می آید که دیگر هیچ کس واقعا نمی فهمد که چه می گذرد.

برحسب اتفاق، دو خبر برگرفته از روزنامه کانزاس سیتی استار در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۰ نقل می

شود:

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

- در یک رستوران نزدیک به خانه من، یک مشتری با کلاه قرمزی که نام ترامپ بر آن نوشته شده، اما بدون ماسک حفاظتی وارد می شود. هنگامی که پیشخدمت (که به گفته روزنامه ساعتی ۵.۸ دلار دستمزد می گیرد)، از او درخواست می کند که دهان و بینی خود را بپوشاند، مانند کلینت ایستوود در یک وسترن ایتالیایی، پیراهن خود را کنار می زند تا به پیشخدمت بفهماند که مسلح است.

- سرخط صفحه اول روزنامه به «پخش کنترل نشده ویروس کورونا» در ایالت کانزاس اختصاص یافته است. مطلبی که روزنامه از تأیید آن بر مبنای منابع میدانی خود خودداری نموده و به این بسنده می کند که یک نقشه چگونگی شیوع ویروس که در اینترنت یافته را منتشر کند. ظاهراً، مقام دوردستی که این نقشه را کنترل کرده، کانزاس را از رده بندی قرمز (بد)، به قرمز تند (خیلی خیلی بد) انتقال داده و بجز چند خبر کوچک محلی چیز دیگری دیده نمی شود. شهر کانزاس سیتی با ۲ میلیون جمعیت، ناگزیر است با این سرخط اعلام خطر کننده کنار بیاید زیرا کسی درجایی یک تارنمای اینترنتی با شکل ظاهرا رسمی راه اندازی کرده است.

تغذیه خبرها با توییت یا نقشه های اینترنتی البته محصول یک روزنامه نگاری تنبل و سهل انگار است، اما نشان دهنده وضعیت امروز آمریکا نیز هست. روزنامه های منطقه ای دیگر نمی توانند اطلاعات جمع آوری شده در چهارگوشه ایالت های محل رویدادها را گردآورند زیرا برای انجام این کار به قدر کافی روزنامه نگار در اختیار ندارند. روزنامه کانزاس سیتی استار، مانند بیشتر روزنامه های دیگر، در طول سال های اخیر بارها فروخته و دست به دست شده و تحریریه آن لطمه دیده است. این روزنامه در سال ۲۰۱۷ دفاتر قدیمی و تاریخی خود را از دست داد و مالک آن در فوریه

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

امسال اعلام ورشکستگی کرد. در ژوئیه، روزنامه توسط یکی از صندوق های سرمایه گذاری (صندوق های سرمایه گذاری سوداگرانه) که مقر آن در نیوجرسی است خریداری شد.

این وضعیتی است که در سال ۲۰۲۰ در آمریکا وجود دارد: هیچ کس به هیچ چیز نمی تواند اطمینان داشته باشد و جدال های مطبوعاتی، تنها نقطه آغاز مشکل است. به دلیل قرنطینه بی سابقه ای که در کشور تداوم یافته، روابط شخصی با اشخاص دیگر دچار مشکل شده است: ساختمان های دولتی درهای خود را بسته یا تعداد مراجعه کنندگان را محدود کرده اند؛ شمار قتل ها به سرعت افزایش می یابد؛ مردم از سوار شدن به هواپیما می ترسند، بسیاری از مدارس تنها از راه آموزش از راه دور کار می کنند؛ فاکس نیوز بینندگان سالخورده را پای تماشای صحنه هایی از خشونت و هرج و مرج می نشانند؛ و تنها کسی که به تلفن همراه آنها زنگ می زند، صدای از پیش ضبط شده ای است که آنها را تهدید می کند در صورت پرداختن چندین هزار دلار به فلان موسسه اعتباری، آنها را به زندان می اندازد.

توفان وحشت

در این حین، به نظر می آید که توفان ها هم صف بسته و نوبت گرفته اند تا یکی پس از دیگری لوئیزیانا را ویران کنند، آتش سوزی های فراوان آسمان کالیفرنیا را نارنجی کرده و همه افسرده

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

هستند. دنیا در حال فروپاشی است و کسی برای سامان دادن به آن نیست. در گذشته نه چندان دور، در زمان های سخت و دشوار، رهبران این کشور توانایی های خود را بسیج می کردند تا به مردم اطمینان خاطر بدهند، اما مستأجر کنونی کاخ سفید دغدغه چندان در این مورد ندارد و تنها چیزی که به آن علاقمند است شانه خالی کردن از مسئولیت هایش است. آقای دونالد ترامپ، خودخواه و خودمحور، ناتوان از بیان کمترین کلام صادقانه، در برابر رنج مردم خود، مانند یک کودن کندذهن که درباره یک تصادف جاده ای که شاهد آن بوده سخن می گوید، عمل می کند. یکی از بهترین توصیف های این وضعیت را شهردار کانزاس سیتی ارائه کرده است. او در پاسخ به پرسش روزنامه استار درباره شایعاتی مبنی بر این که واحدهایی از عوامل فدرال به شهرش فرستاده شده اند می گوید: «بررسی صحت آن غیرممکن است زیرا دیگر هیچ چیز را نمی شود بررسی کرد».

وقتی که دیگر چیزی قابل بررسی نباشد، تخیل جای واقعیت را می گیرد و در دوران شیوع ویروس کورونا، به تخیل زیادی برای تشدید ترس هایمان و رساندن آنها به اوج هایی ناشناخته نیاز نیست. به باور ما، آمریکایی ها در برابر آخرالزمان قرار گرفته، به پایان شیوه زندگی شان رسیده اند، یا به پایان چیزی بزرگ و مهم که ما نمی توانیم آن را تعریف کنیم اما تا حد بی نهایت نگرانمان می کند.

اینک ما در برابر حدود ۱۰ ترس فزاینده قرار گرفته ایم: ترس از این که دیوان عالی به مدتی طولانی محافظه کار شود. ترس از پلیس های نژادپرستی که بدون مجازات شدن می زنند و می کشند. ترس از شورش ها. ترس از همسایگانی که از داشتن ماسک خودداری می کنند. ترس از خود ماسک، که مانند پوزه بندی است که قدرتی اسرارآمیز بر فردیت شما تحمیل می کند.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

اما، در این سال برگزاری انتخابات، ترس اساسی ای که ما را فراگرفته جنبه سیاسی دارد: که دموکراسی در حال احتضار بوده یا در مرحله ای باشد که توسط یک دیکتاتور از بین برود. یقیناً چنین ترسی تازه نیست و چپ چندین سال است که در این مورد هیجان زده است (۱). مدتی طولانی است که به باور دموکرات ها آقای ترامپ چیزی بیش از یک مأمور روسیه نیست و همه خطاهایش نشان دهنده توطئه ای مکمل علیه دموکراسی است. انواع مقایسه با واترگیت از همان زمان ایراد سوگند او رواج یافت (۲). در سال ۲۰۱۸، کتاب دو استاد دانشگاه هاروارد در ردیف پرفروش ترین ها قرار گرفت. عنوان این کتاب «مرگ دموکراسی ها» بود. این رئیس جمهوری برمبنای تأکید بر داستان های وحشتناکی که در این کتاب نقل می شود، به قواعد، سنت ها، و به ویژه رسانه ها احترام نمی گذارد. از این هم بیشتر، احترامی نیز برای حرفه ای های وزارت امور خارجه قائل نیست.

پیشروهای دموکرات دیگر چندان «روسی گیت» (۳) را مطرح نمی کنند، زیرا به آن نیازی ندارند. سلطه فرهنگی کووید-۱۹ - که حکم می کند همه چیز تحت سیطره وحشت و اضطراب باشد- این ترس های آکنده در فضا را به شکل توفانی از وحشت در آورده که هرچه به روز انتخابات نزدیک تر می شویم گسترش بیشتر می یابد.

تحقیقی تحت عنوان «ما نمی دانیم چگونه بهتر به شما هشدار دهیم که آمریکا در حال مرگ است» رواج عام یافته است (۴). هشدارهایی مشابه اعلام می کنند که از فردای اعمال سیاست های موجب افول، سیلی از شبکه های اجتماعی با آهنگی تقریباً روزانه همه چیز را در خود غرق می کند.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

جالب تر از همه این است که حامیان ترامپ مدعی این هستند که حس می کنند کودتایی برنامه ریزی شده توسط کارکنان عالی رتبه دولتی در کار است. در واقع، روایت محافظه کارانه این کابوس عمومی ترجمان ترس دموکرات ها از حمله هواداران ترامپ علیه دموکراسی است، گواهی برای قصد خودشان جهت از بین بردن همین دموکراسی که تنها اشتباه آن در این است که آقای ترامپ را به قدرت می رساند. در این جهان بینی خاص، دموکرات ها آگاهانه ردی از دسیسه هایشان به جا می گذارند «تا این که در روز موعود شما فکر نکنید که توطئه ای در کار بوده است (۵)». یک آکروباسی روشنفکرانه انجام شده بدون بندبازی، توسط آقای میشل آنتون، یکی از اعضای عالی رتبه دولت ترامپ، که اساسا بخاطر مقایسه انتخاب دوست میلیاردرش با یک شورش گذرا در یک هوایمای ربوده شده توسط تروریست ها، شهرت یافته است.

«رئیس پست و بزدل»

شیوع جهانی ویروس دموکرات ها و جمهوری خواهان را ناگزیر کرد که جنبه عمومی گردهمایی های مربوطه خود برای اعلام نامزد ریاست جمهوری را کاملا حذف یا به شدت محدود کنند. این گردهمایی ها که نقطه اوج کارزار انتخاباتی امسال بود، جای خود را به یک نمایش تلویزیونی نه چندان قابل نگاه کردن - ۴ شب تک گویی به شکل مبتذل سرهم بندی شده با اجرای افراد مشهور هریک از دو تشکل سیاسی - داد. در این دو نمایش همه چیز خلاف یکدیگر بود: جمهوری خواهان هیاهو و سروصدا براه انداختند و دموکرات ها بر تنوع قومی و فضیلت اخلاقی مفروض رهبران خود

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

تأکید کردند. با این حال، به صورتی کلی تر، جزوه های تبلیغاتی که هر دو درباره کووید-۱۹ منتشر کرده بودند، شباهت هایشان را نشان می داد. در هر دو مورد، هدف به وجود آوردن واکنش وحشت، یا واداشتن تماشاگر به فکر کردن به بدترین وضعیت در اردوگاه مخالف، و امیدوار کردن به این بود که در صورتی که نامزد خودشان در نوامبر انتخاب شود، امکان بازگشت به نوعی عادی شدن وضعیت وجود دارد.

در مورد دموکرات ها، عنصر «وحشت» در برنامه شان مانند چشمه ای جوشان می جوشید. برای آنها کافی بود آنچه را که رسانه های مسلط - بجز فاکس نیوز- از ۴ سال پیش مکررا می گویند را تکرار کنند: که آقای ترامپ تهدیدی برای نهادهای ما است؛ که بر تعصب دامن می زند؛ که به شکلی تأسفبار در مهار شیوع جهانی ویروس شکست خورده؛ که بی کفایتی اش بی نهایت است و این که می کوشد مجموع روند انتخابات را بی اعتبار کند و غیره. این اتهامات از آن رو به راحتی جا می افتاد که کم و بیش همه آنها با واقعیت مطابقت داشت.

تامی داک ورث، سناتور ایلینویز ترامپ را به خاطر این که به سربازان آمریکایی خیانت و با کرملن ساخت و پاخت کرده «رئیس پست و بزدل» خواند. بیلی ایلین، خواننده موسیقی پاپ اعلام کرد که رئیس جمهوری در حال «تخریب کشور و هر آنچه که دوست داریم» است. آقای آندره کوئومو، فرماندار نیویورک، در کسوت تنگ و معمول قابلیت اداری خود (۶) گفت که نفس گرایش به ترامپ یک نوع ویروس است. اما، با فاصله زیاد، کارآمدترین حمله در این روند بی گمان کار رئیس جمهوری پیشین باراک اوباما بود که خطر ترامپ گرایی را به شیوه ای معتدل و استادانه تجزیه و تحلیل کرد. او با تأکید بر این که امیدوار بوده زمانی که بسازبفروش بزرگ بر مسند

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

ریاست جمهوری نشست، از عهده این کار برآید، تصریح کرد: «اما او هرگز چنین نکرد (...). هیچ
علاقه ای به کار خود و یافتن زمینه ای برای توافق نشان نداد و استفاده از قدرت عظیم دفتر خود را
جز برای کمک به فردی جز خود و دوستانش بکار نبرد و از نهاد ریاست جمهوری مانند یک برنامه
معمولی تلویزیون- واقعیت، که برای جلب توجهی که به آن نیاز دارد اجرامی شود، استفاده کرد». او
سپس مسئولیت کامل کشته شده های کووید-۱۹ را به جانشین خود نسبت داد و او را به تخریب
«اعتبار آمریکا در سراسر دنیا»، هرچه که بتواند باشد، متهم کرد. او باما در واکنش به ترس از تقلب
انتخاباتی، ابراز شده توسط جمهوری خواهان، در یک حرکت دوگانه پرسش به عقب گفت:
«دموکراسی این چنین پس رانده می شود، تا جایی که دیگر اثری از آن نماند».

موضوع بزرگ دیگر گردهمایی دموکرات ها این بود که چرا آقای جوزف بایدن بهترین دوست ما
است. آقای او باما اطمینان داد که او یک «برادر» و انسانی «نوع دوست» است و آقای برنی سندرز
گواهی کرد که او «درستکار» و «مقید به عرف و عفاف» است. وقت برای مجادله درباره پیشینه
طولانی سیاسی آقای بایدن تلف نشد، بعضا به این خاطر که کارنامه او در زمینه مبادله آزاد و
سرکوب قضایی می توانست رأی دهندگانش را ناراحت کند و بخشی دیگر به خاطر این که در عصر
کووید-۱۹ همه رودررویی ها باید به مقابله بین خوب و بد خلاصه شود - یا چنان که آقای بایدن
گفته برای تاباندن نور بر «پایان دادن به فصل تاریکی از آمریکا» استفاده شود.

آقای بایدن با لحنی تند، که عامل محبوبیت او است، گفت: «همه انتخابات مهم هستند، اما ما با
گوشت و پوست خود حس می کنیم که این انتخابات عوارضی سنگین تر دربر دارد» و «تعیین
خواهد کرد که به مدت خیلی خیلی طولانی آمریکا به چه چیز شباهت خواهد داشت. بازی بر سر

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

هویت، شفقت، عرف و عفاف، علم و دموکراسی ما است. بازی بر سر همه اینها است». معاون پیشین ریاست جمهوری سپس پذیرفت که به اختصار به زمین واقعیت‌ها فرود آید و رودرروی شیوع جهانی ویروس قرار گیرد که به گفته او آمریکا در آن «بدترین عملکرد در میان همه ملت‌های کره زمین» را داشته و بعد از نو به دنیای ارواح و اشباحی بازگشت که در آن دشمنانی نامشخص به نبرد پرداخته‌اند: «تاریخ می‌تواند تصمیم بگیرد که پایان فصل تاریکی آمریکا از امشب آغاز شود و امید و روشنایی برای نجات روح ملت با هم متحد شوند».

در چندین دهه گذشته، کنوانسیون دموکرات‌ها بنابراین داشته که گرد محور موضوعی متحد کننده برگزار شود: ما حزب طبقه متوسط هستیم، حزبی که از شما محافظت می‌کند و مراقب این است که مقررات و ضوابط تحمیل شده به همگان شامل قدرتمندان نیز بشود. با آن که تطبیق این پیام با واقعیت در طول زمان کم و کمتر شده، تصویر حیثیت تاریخی حزب ایجاب می‌کرد بر روی آن با شدت هرچه بیشتر تأکید شود.

این بار چنین نبود. البته در مورد رنج‌های تحمیل شده به مردم بر اثر بحران اقتصادی پیامد «شیوع جهانی ویروس آقای ترامپ» سخن گفته شد، اما تأکید چندانی بر آن نشد. دموکرات‌هایی که پیشتر با حرارت از نابرابری‌ها انتقاد می‌کردند کجا رفته بودند؟ ایده عدالت اجتماعی در دوران کووید-۱۹ کجا پنهان شده بود؟ خوب، بخشی از این موضوع‌ها در کنوانسیون جمهوری خواهان - که یک هفته بعد از کنوانسیون دموکرات‌ها برگزار شد - مطرح گردید. موضوع مورد ترجیح دموکرات‌ها، به شکلی تعجب برانگیز در نخستین شب گردهمایی جمهوری خواهان عنوان شد. جوانی به نام چارلی کرک، بنیانگذار یک گروه دانشجویی جنگ علیه معلمان «چپ» به نشانه ایمان

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

محافظه کاران برای سخنرانی دعوت شد و مردم را به مبارزه طبقاتی فراخواند و گفت: «درطول این دهه ها، رهبران دو حزب آینده ما را به چین، چندملیتی های بدون چهره و لابی گران حریص فروخته اند. آنها این کار را به خاطر حفظ قدرت و ثروت خود کرده اند و سیستم را به صورتی دستکاری کرده اند که افراد خوب و وطن پرست طبقه متوسط، که برای داشتن زندگی شایسته تلاش می کنند، را از بین ببرند». سخنران بعدی سندیکاهای معلمان را هدف قرارداد.

وحشت به صورت موضوع بزرگ کارزار انتخاباتی ۲۰۲۰ درآمده است. نوعی از شکایت و گله مندی که هریک از دوطرف مدعی در انحصار داشتن آن است. اما، درحالی که که دموکرات ها با میانه روی درباره نژادپرستی نظام مند و خطراتی که آقای ترامپ برای نهادهای دموکراتیک دربردارد هشدار می دهند و او را تا حد مترسک جالیز پائین می آورند، جمهوری خواهان استادان ماهر ترس آفرینی هستند و دنیا را به شکل کابوس رنگ آمیزی می کنند. آنها در این زمینه با همان مهارتی عمل می کنند که ولادیمیر هوروویتز با مهارت پیانو می نوازد. آنها می گویند: اگر سکان را به دست دموکرات ها بدهید، نه فقط پایان دنیا را خواهید دید، بلکه تمدن نیز به پایان می رسد. در همه جا شورش بپا می شود، شورش هایی شدیدتر از اعتراضات علیه خشونت های پلیسی درطول تابستان. املاک خصوصی به آتش کشیده خواهد شد، مجسمه ها سرنگون می شود و حومه های مسکونی محل اقامت سفیدپوستان ویران می شود. البته، رسانه های بزرگ دراین باره چیزی نمی گویند، زیرا تحت تأثیر آژیرهای چپ گرایی و هرج و مرج هستند...

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

به این ترتیب است که آقای جیمز جوردن، نماینده اوهایو در کنگره می گوید: «به آنچه که در شهرهای آمریکا می گذرد نگاه کنید: جنایت، خشونت، بی قانونی (...). دموکرات ها نخواهند گذاشت شما سر کار بروید و شما را به شورش فرامی خوانند».

براین روال است که آقای مارک و خانم پاتریسیا مک کلووسکی، زوج ثروتمند سن لویی در میسوری، که به خاطر نشانه گرفتن تظاهر کنندگان مسالمت جو در تظاهرات «زندگی سیاهان مهم است» مشهور شده اند، می گویند: «آنها می خواهند حومه شهرها را به کلی خالی از سکنه کنند»؛ «در آمریکای دموکرات های رادیکال، خانواده شما در امنیت نخواهد بود»؛ «جمعیتی که به وسیله متحدان دموکرات ها در رسانه ها به هیجان آمده، خواهد کوشید شما را از بین ببرد».

مبارزه طبقات خاص

به این ترتیب، خانم کیمبرلی گیلفویل، مجری پیشین تلویزیون فاکس نیوز که توسط «سازمان ترامپ» استخدام شده، در سخنرانی خود چنان فریاد می کشد که گویی بدون بلندگو استادیومی با ۵۰ هزار تن را خطاب قرار می دهد، درحالی که در یک اتاق خالی در واشنگتن است. او می گوید: «این انتخابات نبردی برای روح آمریکا است»؛ «آنها می خواهند این کشور و هر آنچه را که ما برایش مبارزه کرده ایم و برایمان عزیز است را ویران کنند»؛ «موجودیت آمریکا است که مطرح است».

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

سرانجام، به این ترتیب است که آقای دونالد ترامپ جونیور، پسر رئیس جمهوری در رأس سازمان ترامپ می گوید: «در گذشته، هر دو حزب به حسن های آمریکا باور داشتند (...). این بار، حزب دموکرات به اصولی حمله می کند که ملت ما برپایه آنها بنا شده است: آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی مذهبی و حکومت قانون».

به یاد داشته باشیم که همه اینها تنها در نخستین روز کنوانسیون جمهوری خواهان تمرکز داشت. ۳ سخنرانی بعدی وقف ساخت یک دیدگاه جایگزین از واقعیت شد که بنابر آن آقای ترامپ به اندازه یک نوزاد بیگناه بود. او هرچه در توان داشت علیه شیوع جهانی ویروس کرده بود، بنابراین تقصیر به کلی به گردن چین است، از سرگیری اقتصادی درست در پیش روی ما است. وظیفه مربوط به توضیح این موضوع که آقای ترامپ نژادپرست نیست حساس به نظر می رسد لذا این ایده به وجود آمد که این وظیفه به عهده گروهی از قهرمانان ورزشی سیاهپوست گذاشته شود. آنچه که آنها گفتند، به اندازه نوای وحشتی که پیش از آن نواخته شده بود اثر نداشت.

برای درک واقعی حیاتی بودن انتخابات در پیش رو، باید به شیوه زنجیر گسیخته ای که رسانه های بزرگ کشور در ۴ سال گذشته با آقای ترامپ رفتار کرده اند توجه نمود. به عنوان فقط یک نمونه، روزنامه واشنگتن پست، هر روز سه یا چهار ستون خود را وقف هرچه بیشتر بی آبرو کردن رئیس جمهوری می کند. این حملات مداوم، که آشکارا هدف آنها کاستن از میزان محبوبیت او است، برعکس اثر مثبت برای آقای ترامپ داشته و این حملات را در حدی فوق العاده بی اثر کرده است. اکنون او مردی است که به صورت شبانه روزی به آمریکایی ها به عنوان یک هیولای نفرت انگیز،

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

بدون تقوا، موجودی که از پست ترین سطح جامعه برآمده و حتی شاید یک خائن معرفی می شود. آیا جمهوری خواهان موفق می شوند نشان دهند که در واقع او مرد خوبی است که گهگاه کارهای خوبی نیز می کند؟

این توضیحی بر لحظه ناب پیروزی کنوانسیون جمهوری خواهان است: جشن پایانی، هنگامی که رشته سخنان تند و تیز توسط سخنرانان بی اعتقاد در یک اتاق خالی، جای خود را به خانم ایوانکا ترامپ، دختر رئیس جمهوری داد که در میان ردیفی از پرچم های آمریکا و با ابراز احساسات جمعیتی به وجد آمده، حی و حاضر و بدون ماسک - رفتاری چالش برانگیز و شوک آور در گرماگرم شیوع ویروسی که تا این تاریخ بیش از ۱۵۰ هزارتن را در کشور کشته - ظاهر شد.

«ایوانکا» درحالی که موهای پر پیچ و خمش در اثر نسیمی نرم تکان می خورد، به سوی بلندگوی گذاشته شده در چمن جنوبی کاخ سفید، در سرزمین عجایب آقای ترامپ رفت و او را «رئیس جمهوری مردم»، «قهرمان کارگران آمریکایی» و «صدای مردان و زنان فراموش شده این کشور» خواند که نماد مهربانی است و رسانه ها و سیاستمداران «چپ» نسبت به اونقش دروغگو و بدجنس را ایفا می کنند. او گفت که رئیس جمهوری را نوه هایش دوست دارند، «آمریکایی های رنجبر و کارکنان فولادسازی» او را دوست دارند و وقتی او را می بینند اشک از چشمانشان جاری می شود. او سرشار از «شفقت عمیق نسبت به کسانی که با آنها بدرفتاری شده و به ویژه زندانیان است». تصورش را بکنید که فداکردن «قوی و فراگیرترین اقتصاد دنیا و متوقف کردن آن به خاطر نجات زندگی آمریکایی ها تا چه حد برایش سخت بوده است».

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

بعد نوبت به خود آقای ترامپ رسید که پای بلندگو برود. او گفت که نامزدی از سوی حزب خود را می پذیرد و به مردم اطمینان داد که کاملاً قادر به درک احساسات و عواطف انسانی آنها است و بعد به تصویرسازی سیاه و سفید از آقای بایدن پرداخت: «آمریکا کشوری غرق در تاریکی نیست، آمریکا مشعلی است که دنیا را روشن می کند» و سپس ادامه داد که رقیب دموکراتش دارای همه عیب و نقص هایی که به آنها متهم می شود است و به ویژه از طبقه کارگر کلاهبرداری کرده است: «او همیاری های کارگران را به جیب زده. آنها را در آغوش گرفته و بوسیده است – اشاره به عادت شناخته شده معاون رئیس جمهوری پیشین که به نشانه محبت ناخواسته زنان را در آغوش می فشرد-، او به آنها می گفت که در دردهایشان سهیم است و بعد به واشنگتن می رفت تا به انتقال شغل های ما به چین یا دیگر کشورهای دوردست رأی بدهد». همه آنچه که شما فکر می کردید می دانید نادرست است.

رئیس جمهوری قشر سیاسی کشورش را نیز – بدون استثنا- مشتی شرور و بدخواه خواند: «افرادی آشنا به رموز سیاست در واشنگتن از من خواسته اند که بگذارم چین به دزدیدن شغل های ما و بی ارزش کردن کشورمان ادامه دهد، اما من به عهدی که با مردم آمریکا بسته ام پایبند مانده ام». آه، اینها موجوداتی اهریمنی و نابکار و خائنانی هستند که تنها به قدرت فکر می کنند هستند و اگر به آنها اجازه داده شود، برنامه ای عجیب و غریب، شامل برهم زدن مرزهای کشور («در گرماگرم شیوع ویروس در سطح جهان») تدوین نموده و به مهاجران غیرقانونی خدمات و کیل پرداخت شده توسط مالیات دهندگان ارایه می کنند، بودجه پلیس را از بین می برند، شورش ها را ترغیب می کنند و «۴۰۰ هزار مجرم را در خیابان ها و محله های شما» رها می کنند. بنابر گفته رئیس جمهوری، این چپ ها «می خواهند انتخاب مدرسه برای فرزندان شما را ممنوع کنند، درحالی که فرزندان خودشان در بهترین موسسات آموزشی خصوصی کشور درس می خوانند، آنها می

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

خواهندمرزها را بگشایند درحالی که خودشان پشت حصارهای محافظت شده بهترین محلات دنیا زندگی می کنند. آنها می خواهند بودجه پلیس را لغو کنند، درحالی که خودشان محافظان مسلح دارند. در ماه نوامبر، ما باید صفحه این طبقه سیاسی که در همه زمینه ها شکست خورده را ورق بزنیم».

همه سروصدای آقای ترامپ، هذیان گویی هایی که می توان آنها را مسخره کرد یا بی اعتنا از آنها گذشت نیست. درپس ابر افسانه سرایی های تخیلی، اجزایی از حقیقت نیز وجود دارد. کسی نیست که نداند برخی از سیاستمداران پیشرو از طبقات برخوردار از مزیت ها هستند و در طول سال ها، رادیکال شدن رسانه های معتبر، دانشگاه های ثروتمند دارای اعتبار و نهادهای مورد مراجعه نخبگان نشانگر این جنبه از واقعیت است. به عنوان یک مشت نمونه خروار: در پایان ماه اوت، NPR، رادیویی برای کادرهای فرهیخته، میزبان نویسنده اثری با عنوان «برای دفاع از غارت» بود. نمونه ای دیگر، تی شرتی با قیمت گزاف (۸۶۰ دلاری) است که توسط دیور طراحی و تولید شده و روی آن شعار «همه ما باید فمینیست باشیم» نوشته شده است.

همچنین، رئیس جمهوری در جریان سخنرانی خود گفت: «آنها برای این به من حمله می کنند که من برای شما مبارزه می کنم». آقای ترامپ «برای ما» مبارزه نمی کند، اما این قابل انکار نیست که آنها به او حمله می کنند و اگر «آنها» از او متنفرند، این دلیلی کافی برای بسیاری از رأی دهندگان است که از او حمایت کنند. او دشمن دشمنان آنها است.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

این درگیری برای بخشی از آمریکا امری مهم است. نه «روسیه گیت»، نه بی‌اعتنایی آقای ترامپ به قواعد و ضوابط، نه سوء استفاده او از نیروهای نظامی و نه حتی بی‌عملی مطلق اش در برابر شیوع ویروس، که عوارض آن کشته شدن ده‌ها هزار تن بوده، وزنی به اندازه این مبارزه طبقات خاص ندارد: آقای ترامپ علیه طبقه مرفه و دارای فرهنگ بالای آمریکا. اینها با دورخیز برای یک اتحاد بی‌سابقه علیه او به هم پیوسته‌اند. نفرتی که آنها نسبت به آقای ترامپ دارند از او یک رئیس‌جمهوری خوب نمی‌سازد - زیرا به طور عینی او برای این سمت نامناسب است -، اما به او امکان می‌دهد که میلیون‌ها تن از افرادی را پشت سر خود ردیف کند که، جز در این مورد خاص، از موجود مضحکی مانند او فاصله می‌گرفتند.

دلیل این امر آن است که بغض و کینه‌ای که او ایجاد می‌کند، یکی از برگ‌های برنده‌ای است که با آنها بازی می‌کند. تراز نامه اقتصادی او دیگر چیزی جز یک پرده دود پیچیده‌گرد یک درخت نیست؛ شهروندان خوب و صنعتگر مورد علاقه او در انتظار این که یک بیماری مرگبار، که تقریباً همه کشورهای دیگر کره زمین بهتر از او آن را مهار کرده‌اند از بین برود، در زیرزمین‌های خود تلویزیون تماشا می‌کنند. اما احساس نفرت و انزجار نسبت به پیشروهایی که به دیگران درس می‌دهند، آخرین شانس او در آستانه انتخابات ۳ نوامبر است.

چرا آمریکایی‌ها از پیشروها بدشان می‌آید؟ پاسخ همواره زیر چشم ما است. رهبران آنها از گفتگو درباره ارزش‌های طبقه متوسط طفره رفته و به ستایش از فضیلت‌های خود و خوارشماری کسانی که در رده‌های پائین‌تر از ایشان هستند پرداخته‌اند. آنها سیاست توییخ و سرزنش - که در عصر کووید-۱۹ در همه جا رواج دارد - را دوست دارند. در حال حاضر ویدیویی در شبکه‌های

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

اجتماعی دست به دست می چرخد که در آن تظاهر کنندگان «زندگی سیاهان مهم است» زنی را دوره کرده اند که در ایوان یک کافه در حال خوردن غذا است. جمعیت او را تشویق می کند که با بلند کردن مشت و فریاد زدن از جنبش آنها حمایت کند (۷). صحنه هایی مشابه، یا اتهامات و انتقادات به اوج خود رسیده و هر روز فضای شبکه های اجتماعی را فراگرفته است.

این احساس رواج می یابد که پیشروها سیاست آزارنده تهمت و افترا زدن را درپیش گرفته اند. تنها می توان گفت که مردم به این نوع سیاست با آمیخته ای از ترس و نفرت نگاه می کنند. وحشت، سردرگمی، بی اعتبار کردن و تهمت زدن، ادعای پروسدا، این دنیایی است که ما در آن به این سو و آن سو می رویم و شماری از آمریکایی ها به خاطر آن آقای ترامپ را سرزنش نمی کنند.

-۱

Lire, par exemple, Bob Fittrakis et Harvey Wasserman, « [Will Bush cancel the 2008 election ?](#) », Common Dreams, 31 juillet 2007.

-۲

Elizabeth Drew, « [Is this Watergate ?](#) », Politico, 6 février 2017.

-۳

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰

Lire « [“Russiagate”, la débacle](#) », La valise diplomatique, 26 mars 2020.

-۴

Umair Haque, « [We don't know how to warn you any harder. America is dying](#) », Eudaimonia, 30 août 2020.

-۵

Michael Anton, « [The coming coup ?](#) », American Mind, 4 septembre 2020.

۶- عملکرد خود او در مورد همه گیری یک معجزه نبود. در مارس گذشته او به آسایشگاه های
بازنشستگان در ایالات نیویورک دستور داد که بیماران کووید-۱۹ را بدون آزمایش کردن اینکه آنها
سرایت دهنده بیماری هستند، بپذیرند.

-۷

Cf. Lauren Victor, « [I was the woman surrounded by BLM protesters at DC restaurant. Here's why I didn't raise my fist](#) », *The Washington Post*,
4 septembre 2020.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۰